داستان‌های داوطلبانه

ماجرای فاتح هرمز

سعید اصغرزاده

در کتاب تاریخ عالم‌آرای عباسی چنین آمده‌است:

از فتوحات که درین سنه مبارکه مطابق احدی و ثلثین و الف به نیروی اقبال قرین حال اولیاء دولت بیزوال گردید، فتح و تسخیر بلده هرموز است که بسعی امام‌قلی خان امیر الامرا فارس به‌وقوع پیوست... و در سال گذشته اشعاری شد که بنابر ظهور بی‌ادبی‌های فرنگیه پرتکالیه مقیم آنجا... امیر الامرا مذکور لشکر بتادیب ایشان فرستده خود نیز متعاقب رفت... در این وقت که فرنگیه پای از دایره ادب بیرون نهاده به اموری که بتحریر پیوست اقدام نمودند... جماعت انگلیسی را اخبار نموده ایشان نیز بر حسب وعده آماده خدمت شدند. القصه امام‌قلی خان شجاعت شعار با جنود قاهره فارس متوجه آن صوب گشته خود در بندر گمبرو که الیوم به بندر عباسی موسوم است اقامت کردند و افواج قاهره از دریا با کشتی‌ها و سفاین عبور نموده داخل جزیره هرمز شدند... القصه بعد از دو ماه و چند روز امتداد ایام محاصره و جنگ و جدال به نیروی دولت و اقبال که همواره قرین حال این دودمان والاست، قلعه رفیع بنیان هرموز که در متانت و حصانت شهره جهان و از کارنامه‌های نادره فرنگیان است، مسخر اولیای دولت ابد پیوند گردید... چون خبر فتح هرموز رسید، جناب خانی مورد تحسین و آفرین شاه و سپاه گردید و آن خبر بهجت اثر بر مبارزان قلعه گشای رکاب همایون مبارک و میمون آمده در همان روز قلعه قندهار نیز بتوفیق کردگار مفتوح گشت. از هر طرف که چشم گشایی نشان فتح...وز هر طرف که گوش نهی مژده ظفر.

نمی‌دانم با نثر کتاب مشکل داشتید یا نه؟ نمی‌دانم واژگان برایتان مفهوم بودند یا نه؟ اما بد نیست که گاه با اینگونه نثرها و اینگونه پیشینه‌ها و اینگونه تواریخ آشنا شوید. این یک کار داوطلبانه است در جهت آشنایی با سنت‌ها و میراثمان. هر چند شاید خیلی مدرن و امروزی‌اش این باشد که برویم و پای اطلاعیه‌ای را در فضای مجازی امضا کنیم که یعنی ما هم نسبت به تاریخمان، عکس‌العمل نشان داده‌ایم!

روز ملی خلیج‌فارس است و کمتر گفته و شنیده شده که چرا امروز؟ بنابراین توضیحی در خصوص متن بالا می‌دهم: همین روزها در سال ۱۶۲۲ سپاه ایران به فرماندهی امام‌قلی خان فتح هرمز را با موفقیت انجام داد و جزیره را از بزرگترین امپراتور قرن بازپس گرفت و جایگاه خود را در جهان در فهرست ابرقدرت‌های قرن شانزدهم ثبت کرد. انگلیسی‌ها نیز ۴ کشتی خود را با خدمه فنی در اختیار ارتش امام قلی خان گذاشتند. آلبوکرک پرتغالی اعتقاد داشت هر کشوری که سه نقطه مالاگا، عدن و هرمز را در اختیار داشته باشد بر تجارت دنیا حاکم خواهد بود. اهمیت هرمز آنقدر بود که استعمارگران انگلیسی را نیز به طمع انداخته بود. به‌دلیل شکایت‌های ایرانیان گمبرون از بی‌ادبی‌های پرتغالی‌ها، سپاه ایران قصد تنبیه پرتغالی‌ها در خلیج‌فارس کرد و نه‌تنها جزیره هرمز را آزاد ساخت بلکه این مقدمه شد که پرتغالی‌ها تا مومباسا در کنیا عقب‌نشینی کنند؛ و این شکست، شکست‌های پی‌درپی پرتغال در شرق آفریقا را به‌دنبال داشت و با حمایت پادشاهان ایران، امام مسقط موفق شد قلعه عظیم ممباسا را در جنگ خونینی که به جنگ صلیبی ممباسا معروف است، تصرف کند. ایران تا سال ۱۸۲۰ پرچمدار تمام خلیج‌فارس و دریای عمان و بحر فارس شد. انگلیسی‌ها از شکست پرتغال خرسند بودند و به قدرت ایران اعتراف داشتند و ایران را تنها رقیب قدرتمند عثمانی‌ها می‌دانستند. در عهدنامه مجمل ۱۸۰۹ و عهدنامه مفصل ۱۸۱۲ حاکمیت ایران را بر کل خلیج فارس به‌رسمیت شناخت درحالی که انگلیس خود به‌عنوان ابرقدرت جهان ظهور می‌کرد. بله! روزی مثل امروز بود که امام‌قلی خان حاکم فارس و از سرداران صفوی، در آغاز بندر گمبرون را تصرف کرد. نبرد فتح قلعه ۷۲ ساعت طول کشید. در پایان مدافعان باقی‌مانده پرتغالی همگی تسلیم‌شده و قلعه به‌دست ایرانیان می‌افتد.

لابد می‌پرسید سرنوشت امام‌قلی خان چه شد؟ پس از درگذشت شاه عباس، نوه وی سام میرزا با نام شاه‌صفی بر تخت پادشاهی نشست. امام‌قلی خان هنگامی که شاه‌صفی عازم دفع شورش گرجستان بود در محل باغ قوشخانه طوقچی به اردوی شاه پیوست. شاه‌صفی او و پسرانش را به گرمی و مهربانی پذیرفت. شاه‌صفی از سپاهی که جمع کرده‌بود، سان دید و بعد از سان سه‌روز به جشن و شادکامی مشغول شدند. امام‌قلی خان به دلیل پیری از شرکت در جشن عذر خواست و صفی نیز عذرش را پذیرفت. پس از سه روز جشن، شاه صفی غفلتا از مجلس میهمانی برخاست و بی آن که کلامی بگوید به اتاق دیگر رفت. پس از نیم ساعت سه نفر از دژخیمان قوی هیکل داخل تالار شده سه پسر امام‌قلی خان را گرفته و بیرون بردند. آنها فورا سر فرزندان امام‌قلی خان را بریدند. شاه‌صفی به جلادان دستور داد سرهای بریده شده را به نزد امام‌قلی خان ببرند و پس از این که سرهای بریده را به وی نشان دادند، سر او را نیز بریده و به حضور شاه‌صفی بیاورند. هنگامی که جلادان به منزل امام‌قلی خان رسیدند، وی مشغول نماز بود. وی پس از دیدن سرهای فرزندان از جلادان خواست تا به وی اجازه بدهند نمازش را به پایان برساند و سپس وی را به قتل برسانند. پس از اتمام نماز گفت: اکنون فرمان شاه مطاع است، اجرا بدارید. جلادان سر وی را نیز بریدند و هر چهار سر را به نزد صفی بردند. شاه نیز سرها را به نزد مادرش در حرمخانه فرستاد.

PERSIAN GULF

عبور از مرز مجازی برای رسیدن به خلیج همیشه فارس

خیلی از ما ایرانی‌ها در بسیاری از موارد منتظر می‌مانیم و وقتی که یک کمپین در یک مورد خاص راه می‌افتد، در ارتباط با آن موضوع؛ هم اظهارنظر می‌کنیم، هم به آنها می‌پیوندیم و هم گاه کاسه داغ‌تر از آش می‌شویم. اما همیشه نمی‌توان از کنار برخی موضوعات سرسری گذشت. موضوع آب و خاک و مرز از جمله موضوعاتی است که طی این سال‌ها بیشترین حرکت‌های داوطلبانه در جهت دفاع از آن صورت پذیرفته است. چه درون جبهه‌های نبرد و چه درون فضای مجازی. قصه مالکیت جزایر سه‌گانه و داستان تغییر نام خلیج‌فارس از سوی ایرانی ستیزان هم از جمله موضوعاتی است که هرازگاهی چند از سوی گروه‌های مختلف زنگ خطر آن به صدا درمی‌آید و هر کسی از هر امکاناتی که در دسترس دارد، در جهت آن چیزی که به عزت و شرفمان گره خورده، استفاده کرده و به ایرانی بودن خود افتخار می‌کند.

شاید روز ملی خلیج‌فارس بیشتر از اینکه پاسداشت خلیج‌فارس باشد، پاسداشت ایرانیانی است که خلیج همیشه فارس را تا بدینجا زنده نگه داشته‌اند و می‌خواهند این میراث ملی را بدون هیچ خدشه‌ای مراقبت کرده و تحویل نسل آینده بدهند.

پیشینه

درحالی که اتحادیه عرب از سال ۱۹۶۴ رسما استفاده از نام خلیج‌فارس را برای عرب‌زبانان ممنوع کرده است اما در ایران تا سال ۱۳۸۱ هیچ مقاله و نوشته‌ای در رسانه‌های گروهی در دفاع از نام خلیج‌فارس منتشر نشد و مطبوعات حاضر نبودند پژوهش‌هایی با موضوع دفاع از نام خلیج‌فارس را چاپ کنند و آنچه منتشر شد یک جلد اطلس و دو جلد کتاب در تیراژ بسیار اندک بود که دایره کاربرد آن از چند کتابخانه و استاد دانشگاه فراتر نرفت. اما از سال ۱۳۸۱ با آمدن وب‌سایت و وبلاگ‌های فارسی وضع انتقال اطلاعات تغییر کرد و وبلاگ‌ها و پژوهش‌ها در دفاع از نام خلیج‌فارس مطالبی را منتشر کردند که باعث شد محافل رسمی مجبور به دنباله روی از این موج شوند. پس از تحریف نام خلیج‌فارس در اطلس مشهور جهانی به‌نام نشنال جئوگرافیک که از سال تأسیس ۱۸۸۸ همواره نام خلیج‌فارس را به‌کار برده برای نخستین‌بار در آبان‌ماه سال ۱۳۸۳ نام جدیدی را در کنار نام بین‌المللی خلیج‌فارس قرار داد. خشم و اعتراض عمومی در میان فعالان اجتماعی و فرهنگی داخل و خارج نسبت به این تحریف غیرعلمی صورت گرفت و پس از ارسال هزاران ایمیل و نامه اعتراضی و یک طومار اینترنتی (پتیشن) با بیشتر از ۱۲۰هزار امضاء به موسسه مذکور، مدیر موسسه مشهور آمریکایی ضمن عذرخواهی از ملت ایران، قول داد اشتباه خود را جبران کند. این پیروزی نشان داد که با اتحاد می‌توان کارهای بزرگ کرد و از تخریب و جعل هویت یک ملت بزرگ جلوگیری کرد.

روز خلیج‌فارس

یکی از راهکارهای پیشنهادی برای پاسداشت نام خلیج‌فارس، تعیین روزی به این نام و قرار دادن آن در تقویم رسمی کشور بود، به این منظور در مرداد و شهریورماه ۱۳۸۳ پیشنهادهایی برای این روز و به‌صورت آنلاین به رأی‌گیری عمومی طرفداران نام خلیج‌فارس گذاشته شد و رأی‌دهندگان به ترتیب به موارد زیر رأی دادند:

۱. ۹ آذر روز برگشت سه جزیره به خاک ایران
۲. ۲۹ اسفند روز ملی شدن نفت
۳. روز اخراج پرتغالی‌ها توسط ارتش ایران از خلیج‌فارس

پس از آن نتیجه رأی‌گیری به‌صورت آنلاین منتشر شد و پس از بررسی مسئولان در بهمن ۱۳۸۳ ضمن موافقت با نامگذاری «روز ملی خلیج‌فارس»، روز شکست پرتغالی‌ها را برای نامگذاری مقبول‌تر دانستند. باتوجه به اختلاف در مورد روز دقیق شکست پرتغالی‌ها در جنگ‌های ایران و پرتغال ریاست‌جمهوری تعیین دقیق آن روز را به جلسه شورایعالی انقلاب فرهنگی موکول کرد و سرانجام بعد از پیگیری‌ها و استعلام‌های متعدد در تیرماه ۱۳۸۴ خورشیدی شورای فرهنگ عمومی روز ۱۰ اردیبهشت را با استناد به استعلام از دانشگاه تهران روز شکست نهایی و خروج پرتغالی‌ها از خلیج‌فارس معرفی کرد و این روز در شورایعالی انقلاب فرهنگی به ریاست رئیس‌جمهوری وقت به تصویب رسید و سرانجام خلیج‌فارس دارای روز ملی شد.

تلاش برای حفظ نام خلیج‌فارس

علاوه‌بر امضای طومار ۱۲۰هزار امضا برای اعتراض به اطلس منتشر شده در آبان سال ۸۳ و کمپین‌های حمایتی و اعتراضی متعدد برای حفظ نام خلیج‌فارس، فعالیت‌های دیگری در این ارتباط نیز صورت گرفته است. در ادامه به ذکر چند نمونه از این فعالیت‌ها می‌پردازیم:

۱. ثبت پسوند اینترنتی خلیج‌فارس

با حمایت ایران، تقاضای ثبت پسوند اینترنتی خلیج‌فارس که از سوی یک شرکت خارجی مطرح شده بود به تأیید کمیته مشورتی دولت‌ها در آیکن (GAC) رسید و این کمیته ایران را به‌عنوان مالک معنوی پسوند اینترنتی خلیج‌فارس شناخت.

۲. اعتراض به پادشاه وقت عربستان

در سال ۹۱ و در آستانه روز دهم اردیبهشت روز ملی خلیج‌فارس موجی در شبکه فیس‌بوک شکل گرفت که صدها‌هزار ایرانی تصویر پروفایل خود را به تصویر نام خلیج‌فارس و جزایر تنب‌بزرگ و کوچک و ابوموسی تغییر دادند. همچنین برخی در حرکتی خودجوش پیشنهادی را عملی کردند که براساس آن هزاران ایرانی با رفتن به صفحه فیس‌بوک ملک عبدالله پادشاه عربستان عبارت خلیج‌فارس را به زبان‌های انگلیسی و عربی و فارسی درج کردند تا اعتراض خود را نسبت به اقدامات ضدایرانی رژیم سعودی اعلام کنند.

۳. تولید قلم‌هایی با نقشه و نام خلیج‌فارس

کمال گلستانی، تاجر ایرانی که در عرصه واردات قلم فعالیت می‌کند، برای نخستین‌بار سفارش ساخت خودکاری که روی آن نقشه و نام «خلیج‌فارس» حکاکی شده بود را به یک شرکت خارجی داد که نقشه حک شده روی قلم متعلق به وضع کنونی خلیج‌فارس و نقشه روی جعبه این خودکار متعلق به ۶۰۰سال پیش یعنی قدیمی‌ترین نقشه موجود در دنیا درباره خلیج‌فارس است.

به گفته گلستانی نمونه‌ای از این قلم به نشریه نشنال جئوگرافیک که در ارتباط با خلیج‌فارس، موضوعات منتشر شده متعددی داشته‌است، هدیه شد.

۴. نصب تابلوی خلیج‌فارس در مرکز استکهلم

امیر محسنی، مدیر ایرانی تبار آژانس‌های مسافرتی «رسه سنتروم» اقدام به نصب تابلوی بزرگی که نام «خلیج‌فارس» با حروف درشت بر آن نقش بسته است در خیابان «سوه آوگن» در مرکز شهر استکهلم کرد. وی در این رابطه می‌گوید: «چندی پیش در اسپانیا بودم و در یک گالری نقاشی تابلویی نظرم را جلب کرد که با اسم «خلیج‌عربی» به معرض فروش گذاشته شده بود. به دقت به آن تابلو خیره شدم و دیدم که یک تابلوی نقاشی از حدود جغرافیایی منطقه خلیج فارس است که در آن خلیج‌فارس با نام جعلی معرفی شده، نام همه کشورهای عربی منطقه در آن به تصویر کشیده شده و نام ایران نیز به‌صورت کامل حذف شده بود. این تابلو که در اندازه یک متر در یک متر نقاشی شده بود به قیمت ۱۰هزار یورو به معرض فروش گذاشته شده بود و به گفته مسئول گالری، نقاش آن قبلا ۱۶ تابلوی مشابه را به خریدارانی که عموما از شیوخ ثروتمند عرب بودند فروخته‌است».

دیدن این تابلو جرقه ایده‌ای بود که امیر محسنی پس از بازگشت به استکهلم به مرحله اجرا درآورد.

۵. ساخت مستند در مورد خلیج‌فارس

در این رابطه می‌توان به مستند «سفر به اعماق خلیج‌فارس» ساخته علی عبدی‌پور و مستند بلند «خلیج‌فارس» به کارگردانی اردعطارپور اشاره کرد.

۶. ساخت قطعه سوئیت سمفونیک «خلیج همیشه‌فارس»

در سال موسسه آوای بارید، «سوئیت سمفونی خلیج‌فارس»، ساخته شهرداد روحانی را در قالب یک لوح‌فشرده و یک کتاب منتشر کرد. این سوئیت سمفونی در ۱۲ بخش تدوین و روی یک لوح فشرده ضبط شده‌است.

آسیب می‌بینیم اما آسیب نمی‌رسانیم

بر اثر حمله یک پلنگ به آغل دام‌های اهلی در روستای تویه‌دروار از توابع شهرستان دامغان، ۳۸ رأس بزغاله و گوسفند اهلی کشته شدند.

رئیس اداره حفاظت محیط‌زیست دامغان با تأیید این خبر گفت: ساعت ۳ نیمه‌شب ۶ اردیبهشت‌ماه، یکی از اهالی روستای تویه‌دروار متوجه سروصدای عجیبی از درون آغل گوسفندان در حیاط خانه خود می‌شود.

فرامرز اسفندیاری افزود: این دامدار همراه پسرش با عجله از خانه خارج شده و متوجه پلنگی می‌شوند که با عبور از دیوار وارد آغل دام‌ها شده و تعداد زیادی از بزغاله و بره‌ها را دریده‌است.

آنها پلنگ را در حالی مشاهده می‌کنند که یک بزغاله را به دندان گرفته بوده و پلنگ نیز با حضور دامدار و پسرش به همراه لاشه بزغاله از روی دیوار عبور کرده و فرار می‌کند. وی ادامه داد: صبح روز بعد با تماس دامدار و اطلاع از موضوع، کارشناسان و محیط‌بانان دامغان عازم روستای تویه‌دروار شده و ضمن بررسی شرایط نسبت به تنظیم صورتجلسه و ارایه توصیه‌های ایمنی به دامدار زیان‌دیده اقدام کردند.

روستای تویه‌دروار یک روستای دورافتاده و کوهستانی در شمال شهرستان دامغان بوده که در نزدیکی مرز استان مازندران قرار دارد و جمعیت اندکی در این روستا ساکن هستند.

بنا بر این گزارش، حسین الیاسیان، دامدار زیان‌دیده دامغانی اعلام کرده است قصد کشتن پلنگ را نداشته و ندارد و از ارزش بالای این گونه جانوری آگاه‌است.

رفاقت و دیگر هیچ

پسری بعد از فلج‌شدن دوستش وظیفه حمل کردن او را به‌عهده گرفته است. این دانش‌آموز دبیرستانی سه‌سال است که دوست معلولش را به مدرسه می‌رساند. «زی‌زو» ۱۸ ساله و «ژانگ‌چی» ۱۹ ساله سال‌هاست که با هم آشنا و دوست هستند. تا این که سه‌سال پیش ژانگ به‌بیماری دیستروفی عضلانی مبتلا شد و این به آن معنا بود که او دیگر نمی‌توانست راه برود. زی برای این که دوستش از مدرسه و درس‌خواندن محروم نشود، قبول کرد که او را تا مدرسه کول کند! زی با این که جثه نسبتا کوچکی دارد، در تمام رفت‌وآمدها از بالارفتن از پله‌ها تا رفتن به حیاط مدرسه دوست خود را کمک می‌کند.

معاون مدرسه درباره رابطه این دو دوست می‌گوید: «این دو با هم نسبت فامیلی ندارند؛ اما زی سه سال است که هر کاری برای ژانگ انجام می‌دهد و این حیرت‌آور است»

هر دوی این دانش‌آموزان، در خوابگاهی نزدیک به مدرسه زندگی می‌کنند. زی هر روز ژانگ را به مدرسه می‌برد و باز می‌گرداند. علاوه‌بر این، او در انجام کارهای شخصی مثل خرید و شستن لباس‌ها هم به ژانگ کمک می‌کند. این دو نوجوان بسیار سختکوش هستند و به همین خاطر از شاگرد اول‌های کلاس‌شان محسوب می‌شوند. گرچه این موفقیت هم آنها را قانع نمی‌کند و به دنبال پیشرفت‌های بیشتر و تحصیلات دانشگاهی هستند. معاون مدرسه درباره زی می‌گوید: «او از بهترین دانش‌آموزان این مدرسه است. او آن‌قدر بر دیگر دوستانش تاثیرات مثبتی داشته که بقیه هم دوست دارند به ژانگ کمک کنند. او تا جایی به دوست خود وفادار است که حاضر نیست در هیچ کلاسی بدون او حاضر شود.»

پاورقی هفته ۶

دانش زندگی در زندان

نالینی نادکارنی
گیاه شناس

نالینی نادکارنی، دیدگاه ما درخصوص درختان و زندانی بودن را به چالش می‌کشد - وی معتقد است که هر دوی اینها می‌توانند بسیار پویاتر از آنی باشند که ما فکر می‌کنیم. وی با مشارکت و همراهی ایالت واشنگتن برنامه‌های حفاظت منابع‌طبیعی و کلاس‌های علمی را برای زندانیان ارایه کرد و به نتایج حیرت‌انگیزی دست یافت.

در نگاه اول به نظر می‌رسد درختان مظهر سکون هستند و در طول زندگی نسل‌های متمادی بشری در درون زمین ریشه زده‌اند. اما اگر ما نگاه خود را از تنه به روی شاخه‌ها بیاوریم درختان را موجودات بسیار پویایی می‌بینیم که حرکت کرده و رشد می‌کنند. من علاقه داشتم این حرکت و جنبش را از طریق کار هنری درختان بررسی کنم. برای این کار فقط ته قلم مو را به یک شاخه بستم و منتظر باد شدم که بیاید و آن را روی کرباس بکشد و یک کار هنری خلق شد. چیزی که من آموختم این بود که گونه‌های مختلف آثار متفاوتی دارند، نظیر آثار پیکاسو در مقابل آثار مونه.

اما من به حرکت درختان نیز علاقه‌مند بودم و این که چگونه این هنروری آنان می‌تواند مرا قادر سازد که آن را کمی کنم. بنابراین برای اندازه‌گیری مسافتی که یک تک درخت مو در طول یک‌سال طی کرده است من فقط هریک از خط‌ها را اندازه گرفتم و جمع زدم و حاصل را در تعداد زیرشاخه‌های هر شاخه اصلی و تعداد شاخه‌های اصلی هر درخت ضرب کردم و بعد عدد به دست آمده را به تعداد دقایق هر سال تقسیم کردم و به این ترتیب توانستم محاسبه کنم که یک درخت واحد چقدر در طول یک‌سال حرکت داشته است. درواقع پاسخ عبارت است از ۱۸۴ هزار و ۵۴۰ مایل (یا به اندازه هفت بار دور زمین گشتن) بنابراین، تنها با تغییر زاویه دید از یک تنه واحد درخت به شاخه‌های پویای فراوان ما می‌توانیم ببینیم که درختان نه‌تنها موجودات ایستایی نیستند بلکه بسیار هم پویا هستند.

من به راه‌هایی فکر کردم که به وسیله آنها می‌توانیم این درس از درختان را مدنظر قرار داده و ببینیم که سایر موجوداتی هم که ایستا و گیرافتاده هستند، تغییر و پویایی را فریاد می‌کنند و یکی از این موجودات زندانیان ما هستند. درست است که زندان جایی است که افرادی که قوانین ما را زیرپا گذاشته‌اند آن‌جا متوقف شده و پشت میله‌های آهنی محبوس شده‌اند. خود سیستم زندان‌های ما هم متوقف و دچار مشکل است. ایالات متحده آمریکا ۲میلیون و ۳۰۰هزار زن و مرد زندانی دارد و این تعداد رو به افزایش است. از هر صد نفر زندانی که دوران محکومیت را طی کرده و آزاد می‌شوند ۶۰نفر مجددا به زندان برمی‌گردند. کمک‌هزینه‌های تحصیلات، آموزش و توانبخشی رو به کاهش است. لذا این چرخه نومیدکننده محبوس بودن تداوم می‌یابد. من تصمیم گرفتم ببینم آیا درسی که از درختان به‌عنوان هنروران آموختم می‌تواند در مورد موسسه ایستایی نظیر زندان‌ها کاربرد داشته باشد.

در سال ۲۰۰۷ ما کاری را با مشارکت اداره بازپروری ایالت واشنگتن که با چهار زندان کار می‌کرد، با استفاده از دانش و دانشمندان، پروژه‌های حفاظت از منابع طبیعی و توسعه پایدار برای چهار زندان ایالتی آغاز و مقاله‌های علمی ارایه می‌کردیم. مردانی که اینجا می‌بینید انتخاب کردند که به سخنرانی علمی ما بیایند به جای اینکه تلویزیون تماشا کنند یا وزنه‌برداری کنند.

دریچه

دکتر حشمت، کار داوطلبانه و سریال در حاشیه

مصطفی مهریزی

وقتی سریال میرزا کوچک‌خان پخش می‌شد، بیشتر از خود میرزا، شیفته دکتر حشمت، هم‌رزم او بودم. سکوت و آرامش‌اش و عینک گردی که به چشم می‌گذاشت و کیف طبابتش. او طالقانی بود و تات‌زبان و مادرش دیلمی. از همین‌رو و پس از آشنایی با جریان‌های سیاسی مشروطیت، به یک آزادیخواه بدل شد که در نهضت جنگل نقش مهمی داشت. همان زمان‌ها، کمی پس‌وپیش، سریال دیگری پخش می‌شد که زندگی ابن‌سینا را به تصویر می‌کشید. نشان می‌داد او چطور بیماری‌های لاعلاج را درمان می‌کند و به‌خاطر تبحرش در پزشکی، به دربارها راه می‌یابد. تمام تصورم از پزشک، برای منی که کوچک بودم و هنوز اسباب طبابت بچگانه و پلاستیکی‌ام را داشتم، حول این دو شخصیت می‌گشت و البته هنوز دکتر قریب را نمی‌شناختم. ابن‌سینا در سریال، بیشتر از فیلسوف، طبیب بود و دکتر حشمت، انقلابی ساکتی که نهضت را تنها می‌گذاشت و تسلیم می‌شد که تاوانش اعدام می‌شد.

حالا که با دوستان می‌نشینیم و یکی از صحبت‌های ثابت‌مان، حرف‌زدن از سریال در حاشیه و وضع جامعه پزشکی است، چیزهای بیشتری درمورد پزشک‌ها می‌دانم. حالا تصورم از پزشکی، کاری است انقلابی که در شرایط بغرنجی مثل وقتی یک بیمار در میانه پرواز نیاز فوری به خدمات پزشکی دارد، معنا می‌یابد. تنها یک پزشک در میان مسافران است و وقتی مهماندار اعلام می‌کند نیاز به کمک داریم و اگر کسی پزشک است، خودش را معرفی کند، آن تنها پزشک، بدون هیچ فکری و بدون این که مطمئن باشد تنها پزشک آن پرواز است یا در ازای کارش پولی دریافت می‌کند، می‌شتابد و هرچه از دستش برمی‌آید، انجام می‌دهد. اگر هم نتواند کاری برای بیمار انجام دهد، آن‌قدر شجاع هست که بگوید هرچه در توان داشتم، به کار گرفتم اما نمی‌شود کمک دیگری کرد و مسئولیت کارش را می‌پذیرد.

حالا می‌دانم برای ابن‌سینا در برابر کار فلسفی‌اش، پزشکی در مرتبه دوم اهمیت قرار می‌گرفت و آن را کار اصلی‌اش نمی‌شمرد. بلکه هرکجا به خدماتش نیاز بود، می‌شتافت و کمک می‌کرد و این را از حمله‌اش به زکریای رازی می‌گویم، وقتی به آرای فلسفی او می‌تازد و می‌گوید، ایشان بهتر است به همان قاروره‌شان بپردازند؛ یعنی همان کار طبابت را پیش گیرند. حالا می‌دانم کدام تصور از پزشک درست‌تر است و بیشتر به‌کار می‌آید. این تصویر، از آن کسی است که چهاردهم اردیبهشت ۱۲۹۸ در رشت و پس از آن که خودش را تسلیم کرده، اعدام می‌شود. او انقلابی اصیلی است که فکر می‌کند مردم فقط به درد تفنگچی‌شدن برای نهضت و تأمین جا و مایحتاج و آذوقه انقلابیون نمی‌خورند. آنها لایق چیزهای خوبند و انقلاب اگر فقط ویرانی و مرگ به‌بار بیاورد، انقلابی بی‌ثمر است. به‌گفته رحیم صفاری، دکتر حشمت فکر می‌کرد اگر توانستیم وضع مردم را بهتر کنیم، به بشریت خدمت کرده‌ایم.

وقتی دکتر از سوی شورای نهضت جنگل، حاکم لاهیجان می‌شود، درمی‌یابد زمین‌های شمالی لاهیجان درگیر خشکی‌اند و آب به آنها نمی‌رسد درحالی که میان دو رود سفیدرود و سیاهکل واقع شده‌اند. پس، داوطلبانه و با کمک پنج‌هزار نفر از مردم، شش ماهه کانالی به طول چهل کیلومتر از غرب سیاهکل و رودخانه دیسام تا ساحل خزر می‌کشند که نامش می‌شود حشمت‌رود و زمین‌ها قابل کشت می‌شوند. به گفته ابراهیم فخرایی، از هم‌رزمان میرزا و نویسنده کتاب سردار جنگل، هنوز شالیکارهایی که از برکت این رود می‌توانند کشاورزی کنند، بخشی از محصول‌شان را میان فقرا خیرات می‌کنند تا ثوابش به روح شریف دکتر برسد.

حالا می‌دانم و می‌فهمم او چرا تسلیم دشمن شده است. چون یک پزشک واقعی است و عملگرا و نتیجه‌گراست و وقتی درمی‌یابد در تسلیم‌شدن نفع بیشتری است، درنگ نمی‌کند. با این تفاسیر، شاید بهتر باشد هر از گاهی، الگوهایی را که از بطن تاریخ انتخاب می‌کنیم، نزدیک‌تر بیاوریم یا با الگوهای پیشین‌مان بیامیزیم. ابن‌سینا پزشک بزرگ و شریفی است و مایه مباهات ما ایرانی‌هاست. اما دکتر حشمت، مانند دکتر قریب، به ما نزدیک‌تر است و در دسترس‌تر و بهتر می‌توانیم او را به‌عنوان الگوی یک پزشک، انقلابی و داوطلب واقعی بپذیریم.

اخبار نیکوکاری

۵ پروژه مدرسه‌سازی توسط بنیاد برکت در لرستان احداث می‌شود

رئیس مجمع خیرین مدرسه‌ساز استان لرستان با بیان این که هم‌اکنون ۴۴ خیر مدرسه‌ساز حقوقی در مجمع خیرین مدرسه‌ساز حضور دارند که تاکنون نسبت به ساخت تعدادی مدرسه مشارکت کرده‌اند، افزود: بنیاد برکت در سال گذشته ۵ مدرسه به ما تحویل داد و ۵ مدرسه دیگر توسط این بنیاد در دست اجرا است. وی اضافه کرد: بنیاد برکت برای ساخت ۱۰ مدرسه در استان با مجمع خیرین مدرسه‌ساز توافق کرده است که امیدوار هستیم این امر به‌زودی توسط آنها تحقق یابد.